

Journal iranian political sociology
Vol. 4, No.2, summer2021

Sociological analysis of the low share of women in political positions
(Case study: urban women of East Azarbaijan Province)

Hossein Safari

Instructor of the Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran
h.safari@pnu.ac.ir

Abstract

The problem of the research was the low share of women in the political positions of East Azerbaijan province. Based on this, the research question was, what sociological factors play a role in this? For this purpose, the attitude of women was studied. The theoretical framework of the research was the theories of interactionism and feminism. The research method was a survey and the research tool was a questionnaire. The research population included urban women at least twenty-five years old and with university education. The sample size was 369 people and the sampling method was cluster-quota. The research findings showed that the relationship between the factors of gender, gender stereotype, patriarchy, religion and culture with the low share of women in political positions is significant and direct. The general conclusion of the research was that the low share of women in political positions is rooted in the culture and beliefs of society. Based on this, improving this situation requires changing the society's attitude towards the roles of women and their abilities. Effective tools that can be used to achieve this improvement are media and education. It was also suggested that future research should be conducted with a qualitative approach to obtain more in-depth information.

Key words: women, political positions, East Azerbaijan province.

فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۴)، تابستان ۱۴۰۰، صص ۴۵۸-۴۴۰

تحلیل جامعه‌شناختی سهم پایین زنان در جایگاه‌های سیاسی

(مطالعه موردی: زنان شهری استان آذربایجان شرقی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۶

حسین صفری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۵

چکیده

مسئله تحقیق سهم پایین زنان در جایگاه‌های سیاسی استان آذربایجان شرقی بود. بر این اساس سوال تحقیق این بود که چه عوامل جامعه‌شناختی در این امر نقش دارند؟ برای این منظور نگرش زنان مورد مطالعه قرار گرفت. چهارچوب نظری تحقیق نظریه‌های تعامل‌گرایی و فمینیسم بود. روش تحقیق پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه بود. جمعیت تحقیق شامل زنان شهری حداقل بیست و پنج ساله و دارای تحصیلات دانشگاهی بود. حجم نمونه ۳۶۹ نفر و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای - سهمیه‌ای بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه عوامل جنسیت، کلیشه جنسیتی، مردسالاری، مذهب و فرهنگ با سهم پایین زنان در جایگاه‌های سیاسی معنی‌دار و مستقیم است. نتیجه‌گیری کلی تحقیق این بود که سهم پایین زنان در جایگاه‌های سیاسی ریشه در فرهنگ و عقاید اجتماع دارد. بر این اساس بهبود این وضعیت مستلزم تغییر نگرش اجتماع نسبت به نقش‌های زنان و توانایی‌های آنان است. ابزارهای موثری که می‌توانند بکار گرفته شوند تا به این بهبود دست یافت رسانه‌ها و آموزش و پرورش است. همچنین پیشنهاد شد تحقیقات آتی با رویکرد کیفی جهت کسب اطلاعات عمیق‌تر پردازند. کلمات کلیدی: زنان، جایگاه‌های سیاسی، استان آذربایجان شرقی.

مری گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

h.safari@pnu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

همواره در طول تاریخ و در همه جوامع بین زنان و مردان در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نابرابری وجود داشته و دارد. یکی از این عرصه ها جایگاه های سیاسی است. منظور از جایگاه های سیاسی داشتن کرسی در تصمیم گیری سیاسی در سطوح عالی و محلی است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶، ۵). بر اساس تعریف انجمن اقتصادی جهانی جایگاه های سیاسی زنان در سطوح ریاست حکومت، وزراء و پارلمان ملی قابل بررسی است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶، ۵). در این تحقیق شاخص های پارلمان ملی (نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی) و پارلمان های محلی (اعضای شوراهای اسلامی شهری استان) مد نظر است.

زنان به عنوان سرمایه انسانی منابع با ارزشی هستند که در جامعه نقش موثری دارند. این نقش از ابعاد مختلف قابل بررسی است و می توان به نظریه های مختلف، گزارش سازمان های مختلف، الگوی توسعه یافتگی کشورها و مطالعات تجربی استناد نمود. سگر بر اصل مشارکت عمومی تاکید دارد و معتقد است که ورود زنان به حوزه های عمومی یکی از اصول توسعه پایدار است و مشارکت عمومی زنان در روندهای تصمیم گیری بر رفاه و زندگی مردم موثر است. یانگ نیز معتقد است که زنان منابع با ارزشی هستند بنابراین باید به عنوان برنامه ریزان و طراحان توسعه بکار گرفته شوند (جمشیدی سلوکلو و شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲: ۵). در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل آمده است که یکی از عوامل مهم پایین بودن توسعه انسانی اقتدار پایین زنان است. در دستور کار اجلاس بیست و یک ریو نیز زنان به عنوان یکی از گروه های اصلی در دستیابی به توسعه پایدار در نظر گرفته شده اند. بر اساس خط مشی این اجلاس توانمند سازی زنان، مشارکت کامل و برابری زنان یکی از پایه های توسعه پایدار است. بر اساس این خط مشی سیاست هایی که برابری جنسیتی را در نظر بگیرند در بلند مدت موفق نخواهند بود (اکبری، ۱۳۹۱). الگوی توسعه یافتگی جهان غرب نیز نشان می دهد که فرایند نوسازی و پیشرفت با افزایش مشارکت زنان در حوزه عمومی و تصمیم گیری ها همراه بوده است (حافظیان، ۱۳۸۸: ۱۳). همچنین مطالعات تجربی نشان داده است که بین برابری جنسیتی و توسعه بویژه در کشورهای در حال توسعه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (افشانی و شیبانی، ۱۳۸۲). امروزه در سطح کشورهای در حال توسعه بیشترین تمرکز روی چگونگی دستیابی به توسعه همه جانبه است. در این خصوص نقش زنان از اهمیت خاصی برخوردار است (حافظیان، ۱۳۸۸: ۱۳).

ایران کشوری در حال توسعه است و نیمی از جمعیت آن را زنان تشکیل می دهند. بنابراین دستیابی به توسعه پایدار مستلزم مشارکت زنان است. همانطور که هابرماس نیز معتقد است که سرنوشت و آینده ایران را زنان رقم می زنند زیرا نیمی از دانشجویان ایران را زنان تشکیل می دهند (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۹۲: ۱۲۵). بنابراین دستیابی به توسعه در همه ابعاد و پیشرفت و رفاه زندگی مردم مستلزم حضور زنان در حوزه های اجتماعی بویژه سهم بارز آنها در توانمندی سیاسی است.

داده ها و گزارش های داخلی نشان می دهند که سهم زنان در جایگاه های سیاسی ملی و محلی پایین است. در دوره دهم مجلس شورای اسلامی درصد مردان و زنان نماینده استان آذربایجان شرقی به ترتیب ۸۸ درصد و ۱۲ درصد است (پورتال مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶). همچنین، در این استان در دوره چهارم شوراهای شهری درصد مردان ۹۰/۵ درصد و زنان ۹/۵ درصد است (پورتال شورای اسلامی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶).

جدول ۱. سهم زنان در جایگاه های سیاسی

شاخص ها		درصد	
		مردان	زنان
نمایندگان استان آذربایجان شرقی در مجلس شورای اسلامی در دوره دهم		۸۸	۱۲
اعضای شوراهای شهری در استان آذربایجان شرقی در دوره چهارم		۹۰/۵	۹/۵

منبع: (پورتال شورای اسلامی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶ و پورتال مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶)

پرسش تحقیق این است که چرا سهم زنان در جایگاه های سیاسی پایین است. چه عوامل جامعه شناختی در این امر نقش دارند؟ بنابراین هدف تحقیق تحلیل جامعه شناختی سهم پایین زنان در جایگاه های سیاسی است.

۲. پیشنهاد تحقیق

۲-۱. پیشنهاد تجربی

تحقیقات مربوط به جایگاه های سیاسی زنان را می توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. ۱- تحقیقاتی که در سطح خرد نگرش افراد را در خصوص مناصب و جایگاه های سیاسی زنان مورد مطالعه قرار داده اند. این تحقیقات به روش پیمایشی به این مطالعات پرداخته اند. در این تحقیقات عوامل مرتبط با نگرش افراد نسبت به جایگاه های سیاسی زنان شامل اجتماعی شدن در خانواده (آزاد ارمکی و غفورنیا)، جنسیت (ملکی، ۱۳۸۴) و تحصیلات (کردی، ۱۳۸۵) است. ۲- تحقیقاتی که در سطح کلان و با استفاده از داده های موجود به تحلیل و تبیین نگرش افراد نسبت به جایگاه های سیاسی زنان پرداخته اند. روش این دسته تحقیقات تحلیل ثانویه است. در این تحقیقات عوامل مرتبط با نگرش افراد نسبت به جایگاه های سیاسی شامل کلیشه های جنسیتی، منابع اقتصادی (عیوضی و همتی، ۱۳۹۳) و جامعه پذیری (علی حسینی و همکاران، ۱۳۹۳) است.

حسین کردی در تحقیق خود با عنوان "عوامل موثر در نگرش زنان به مشارکت سیاسی در استان گلستان: مطالعه موردی شهرستان گنبد کاووس" که روی زنان گروه سنی ۵۹-۱۵ ساله به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه انجام داده است به این نتیجه رسیده است که اکثر زنان نگرش مثبت به مشارکت سیاسی دارند، بویژه این نگرش جهت احراز مناصب سیاسی کاملاً مشهود می باشد. در این رابطه میزان تحصیلات نقش اساسی دارد (کردی، ۱۳۸۵).

ملکی تحقیقی را با عنوان "نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی" انجام داده است. محقق در این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی و پرسشنامه دانش پژوهان دختر و پسر مراکز پیش دانشگاهی شهرستان نهاوند را مورد تحقیق قرار داده است. نتایج تحقیق نشان داده است که بین جنسیت و نگرش نسبت به مشارکت زنان در سطح نخبگان سیاسی رابطه وجود دارد به نحوی که فقط ۱۵/۷ درصد از پسران با مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان موافق بوده و بقیه نگرش مخالف یا متوسط داشته اند (ملکی، ۱۳۸۴).

تقی آزاد ارمکی و نفیسه غفورنیا در تحقیقی با عنوان «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی» سه رویکرد برابری، تفاوت و نابرابری جنسیتی را در سه حوزه حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی و تصدی مناسب سیاسی مورد بررسی قرار داده اند. این تحقیق که به روش پیمایشی روی دانشجویان دانشگاه تهران انجام گرفته است نشان داده است که نگرش افراد نسبت به برابری جنسیتی در حوزه سیاسی متأثر از عوامل زمینه‌ای بویژه عامل اجتماعی شدن فرد در خانواده است. بطور کلی بیشتر دانشجویان دارای نگرش تفاوت‌گرایی جنسیتی در حوزه سیاسی هستند و گرایش کمتری نسبت به نگرش نابرابرگرا و برابرگرایی جنسیتی دارند. مردان نسبت به زنان دارای نگرش نابرابرگرایی جنسیتی بیشتری هستند (آزاد ارمکی و غفورنیا، ۱۳۸۰).

محمد رحیم عیوضی و زهره همتی در تحقیق خود که با عنوان «زنان ایرانی در مجلس شورای اسلام با تأکید بر نظریه گزینش سیاسی» انجام گرفته است به بررسی موانع حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در چارچوب ساختارهای فرصت پرداخته اند. برای این منظور ۳۲ دوره مجلس شورای اسلامی را مورد تحلیل قرار داده اند. نتایج تحقیق نشان داده است که زنان ایرانی به رغم اینکه از لحاظ قانونی و حقوقی با موانع جدی روبرو نیستند اما به دلایل برخی عوامل فردی، شخصیتی و سیاسی و اجتماعی نتوانسته اند حضور گسترده ای در انتخابات مجلس داشته و کرسی های قابل توجهی در مجلس شورای اسلامی بدست آورند (عیوضی و همتی، ۱۳۹۳).

علی علی حسینی و همکاران در تحقیقی تحت عنوان " بررسی رابطه جامعه پذیری و مشارکت سیاسی زنان" به بررسی تاثیر جامعه پذیری بر مشارکت سیاسی زنان در سطوح بالای تصمیم گیری در ایران پس از انقلاب پرداخته اند. این محققان در تحلیل داده ها و آمارهای موجود در وزارتخانه ها و مجلس شورای اسلامی به این نتیجه رسیده اند که تمایل نداشتن زنان به حضور در عرصه قدرت نشئت گرفته از جامعه پذیری متفاوت زنان است. زنان بر اثر جامعه پذیری متفاوت و کلیشه های جنسیتی القا شده سیاست را حیطه ای مردانه تلقی می کنند (علی حسینی و همکاران، ۱۳۹۳).

جایگاه های سیاسی زنان موضوعی است که کمتر مورد توجه تحقیقات گذشته قرار گرفته است. این تحقیق می خواهد با رویکرد متفاوت در یک حوزه جغرافیایی متفاوت به بررسی موانع جامعه شناختی سهم پایین زنان در جایگاه های سیاسی بپردازد. برای این منظور نگرش زنان مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر این در این تحقیق شاخص شوراها و شهرهای نیز مورد توجه قرار گرفته و در کنار شاخص پارلمان ملی می خواهد به تحلیل جامعه شناختی موانع دستیابی زنان به این جایگاه های سیاسی بپردازد. در این تحلیل جامعه شناختی نیز عوامل و متغیر های جدید مانند فرهنگ و مذهب به تحقیق کشیده شده است.

۲-۲. چهارچوب نظری

نظریه های مربوط به مسئله سهم پایین زنان در جایگاه های سیاسی در حوزه نابرابری جنسیتی قرار می گیرند. این نظریه ها را می توان به پنج رویکرد نظری دسته بندی کرد.

۱- کارکردگرایی

۲- نظریه تضاد

۳- تعامل گرایی

۴- نظریه فمینیسم

کارکردگرایی بر نقش های جنسیتی تاکید دارد و بر این نظر است که نقش های جنسیتی هم در خانواده و هم در جامعه کارایی اجتماعی را افزایش می دهد. کارکردگرایی به جامعه به عنوان نظام پیچیده ای نگاه می کند که بخش های آن با یکدیگر کار می کنند تا انسجام و ثبات جامعه به عنوان کل را حفظ کنند. این دیدگاه به جامعه رویکرد کلان دارد و عمدتاً بر ساختارهای اجتماعی تاکید دارد که جامعه را شکل می دهند. از این دیدگاه نابرابری های جنسیتی روش موثر و مفیدی برای تقسیم کار و انتظام اجتماعی است (صمدی راد، ۱۳۸۳). بنابراین جنسیت مانند سایر نهادهای اجتماعی در انتظام و ثبات جامعه نقش دارد.

نظریه تضاد بر این عقیده است که مردان یا جنس مسلط زنان را تحت انقیاد و زیر دست آورده اند تا امتیاز و سرفرازی خود را در جامعه حفظ کنند. از این دیدگاه زنان قدرت کمتری نسبت به مردان دارند چون به مردان وابسته هستند. مردان مانند هر گروه دیگری که قدرت یا امتیاز دارد برای کنترل منابع (قدرت اقتصادی و سیاسی) مبارزه می کنند. بر اساس دیدگاه تضاد جامعه صحنه مبارزه برای تسلط میان گروه های اجتماعی است که برای منابع کمیاب رقابت می کنند و جنسیت صحنه تلاش مردانه برای حفظ قدرت و برتری و تسلط بر زنان است. بر این اساس مردان گروه مسلط و زنان گروه مادون هستند (عیوضی و همتی، ۱۳۹۳). از این دیدگاه مسایل اجتماعی زمانی بوجود می آیند که گروه های مسلط گروه های مادون را استثمار کرده و مورد ظلم و ستم قرار دهند (علی حسینی و همکاران، ۱۳۹۳).

از دیدگاه تعامل گرایی جنسیت از طریق کنش متقابل و تعامل های روزانه و استفاده از نمادها محقق و تقویت می شود. بر اساس این دیدگاه فرایندهای اجتماعی مانند تضاد، همکاری، هویت و جنسیت محصول کنش متقابل اجتماعی هستند. معنا از طریق تعامل های افراد تولید می شود. قشریندی جنسیتی وجود دارد چون مردم بر اساس معنایی که برای یکدیگر دارند با یکدیگر کنش و تعامل می کنند و این معناها از تعامل اجتماعی بوجود می آیند. از این دیدگاه از طریق فرایند اجتماعی شدن طولانی مردان و زنان معناهای مربوط به مردانگی و زنانگی را یاد می گیرند و این معناها از طریق خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه یاد گرفته می شوند (شادی طلب و خانجانی نژاد، ۱۳۹۱).

از دیدگاه فمینیسم قشریندی اجتماعی زمانی بوجود می آید که تفاوت موجب قدرت یا برتری برخی گروه ها بر گروه های دیگر گردد. اعضای جامعه بطور اجتماعی بر اساس سطوح متعددی مانند پایگاه اجتماعی اقتصادی، نژاد، طبقه، قومیت، مذهب و جنسیت قشریندی می شوند. قشریندی جنسیتی زمانی

اتفاق می افتد که تفاوت های جنسیتی به مردان برتری و قدرت نسبت به زنان بدهد. این نظریه از رویکرد تضاد برای بررسی نابرابری جنسیتی استفاده می کند. بر این اساس نظریه فمینیسم رادیکال بر نقش پدرسالاری و مردسالاری در تداوم تسلط مردان تاکید دارد (شادی طلب و خانجانی نژاد، ۱۳۹۱). بطور خلاصه، در تحلیل و تبیین نابرابری جنسیتی می توان گفت که:

- ۱- نظریه های کارکردگرایانه بر نقش جنسیتی توجه داشته و بر کارکرد آن تاکید دارند.
 - ۲- نظریه های تضاد علت نابرابری جنسیتی را تسلط مردان بر منابع اقتصادی و سیاسی و وابستگی زنان می دانند.
 - ۳- نظریه های تعامل گرایی ریشه نابرابری جنسیتی را در جنسیت، کلیشه های جنسیتی و جامعه پذیری می دانند.
 - ۴- نظریه های فمینیسم علت نابرابری جنسیتی را نظام اجتماعی و فرهنگی مردسالارانه می دانند. در این تحقیق چهارچوب نظری رویکردهای تعامل گرایی و فمینیسم است. از جمله نظریه پردازان مطرح در این رویکردها سندرا بم، آلبرت باندورا، بلاک، وست و زیمرمن، جودیت باتلر و سیمون دیویورا هستند.
- نظریه سندرا بم^۱ به نظریه طرح واره جنسیتی مشهور است. طرح واره جنسیتی عبارت است از مجموعه ای از تداعی های مرتبط با جنسیت. به نظر بم تداعی های منسوب به جنسیت در فرهنگ چشمگیر است. در این فرهنگ در فرایند یادگیری تدریجی محتوای طرح واره جنسیتی کودکان نقش های جنسیتی و کلیشه های جنسیتی را می پذیرند. به این ترتیب دختر می داند که مونث است و بطور غیر ارادی خود را با فرهنگ و تصورات قالبی و هنجارهای جنسیتی سازگار می کند (هاید، ۱۳۸۰، ۴۴). بنابراین فرهنگ نقش مهمی در رشد جنسیت دارد. این نقش از طریق فراهم آوردن مرجعی برای شکل دادن طرح واره های جنسیتی انجام می شود که در آن کودکان آماده کدگذاری، سازماندهی و پردازش اطلاعات می باشند (ادهمی و روغنیان، ۱۳۸۸، ۱۲۱). به نظر بم کودکان طرح واره های خاص مربوط به جنسیت را شکل می دهند و فرهنگ در تشکیل طرح واره های جنسیتی نقش بسزایی دارد. این طرح واره ها راهنما و چارچوبی برای مفاهیم مردانگی و زنانگی است (خمسه، ۱۳۸۳، ۱۲۰). به نظر بم کودکان بر اساس طرح واره جنسیتی اطلاعات را پردازش می کنند و در این جریان می فهمند که کدام خصوصیات و نقش ها به جنسیت آنها مربوط است و بنابراین یاد می گیرند که خصوصیات، نگرش ها و رفتارهای خود را با طرح واره های جنسیتی منطبق کنند و رفتار خود را با تعاریف فرهنگی از

مردانگی و زنانگی تنظیم کنند (جمشیدی سلوکلو و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۲). بنابراین جنسیت به بخشی از خودپنداره آنها تبدیل می‌شود و در این زمان هویت جنسیتی شکل می‌گیرد و ثبات جنسیتی بدست می‌آید؛ بدین معنی که کودکان تشخیص می‌دهند که جنسیت مبنای تعریف و شناخت دیگران است (ریاحی، ۱۳۸۶).

نظریه آلبرت بلندورا^۲ نظریه ای در باب اجتماعی شدن است. نظریه اجتماعی شدن بر یادگیری جنسیتی^۳ و تکوین جنسیت تاکید دارد. طبق این دیدگاه نقش های جنسیتی به کمک کارگزاران اجتماعی مانند خانواده و مدرسه یاد گرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵، ۱۵۷). از این دیدگاه کودکان در فرایند اجتماعی شدن هویت های جنسیتی خود را توسعه می‌دهند و رفتارهای هنجاری جنسیتی را یاد می‌گیرند (Chafetz, 2006, 13). از طریق اجتماعی شدن افراد ویژگی ها و خصوصیات جنسیتی پیدا می‌کنند و فهم و درکی از خود به دست می‌آورند. علاوه بر این، مردم از طریق اجتماعی شدن یاد می‌گیرند جامعه شان چه انتظاراتی از آنها به عنوان مردان یا زنان دارد. به نظر بلندورا کودکان نقش های جنسیتی خود را بوسیله آموزش (پاداش و تنبیه) و مشاهده رفتار دیگران و الگودهی آنها یاد می‌گیرند. باندورا معتقد است که خانواده در این فرایند جامعه پذیری نقش بسیار مهمی دارد زیرا نقش ها و هویت های جنسیتی را به فرزندان انتقال داده و باعث تداوم سلطه مردان و فرمانبری زنان می‌شوند (Schaffer and Lamn, 1992, 98).

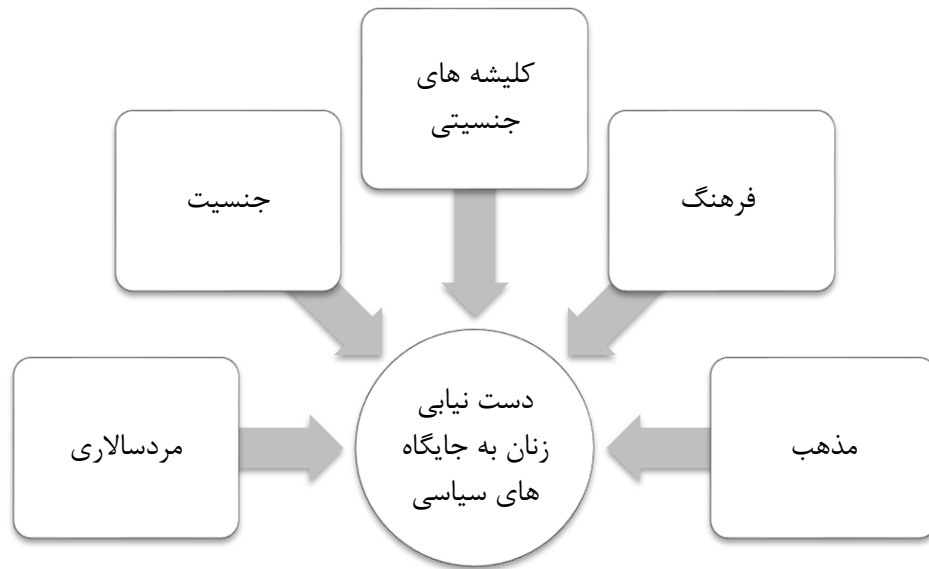
نظریه اصلی کاندس وست و دان زیمرمن^۴ در خصوص نابرابری جنسیتی نظریه تحقق جنسیت است. طبق این نظریه انسان ها در تعامل شان جنسیت را تحقق می‌بخشند. انسان ها جنسیت را در تعامل با همدیگر تولید می‌کنند تا کار جهان را بفهمند و آنرا امکان پذیر سازند. سازوکار اجتماعی ایجاد کننده کل این تحقق تفاوت جنسیت عمل مسئولیت پذیری بر حسب طبقه جنس است. انسان ها یک شخصیت جنسیت یافته نیستند بلکه محقق کننده جنسیت در همه گونه های کنش متقابل زندگی روزمره هستند. انسان ها فعالانه در بازتولید جنسیت در قالب عملکردهای متنی و پیوسته کنش متقابلی عمل می‌کنند، عملکردهایی که مصداق های فرهنگی جنسیت در خلال آن وضع، اجرا، تجربه و حتی تغییر شکل داده می‌شوند (ریترز، ۱۳۹۳).

نظریه جودیت باتلر^۵ در خصوص نابرابری جنسیتی به نظریه اجرائیت^۶ و آشفتگی جنسیت^۷ معروف است. به نظر باتلر مقوله جنسیت از دل فرایند اجرائیت بیرون می‌آید. مردم در تعامل با همدیگر با اجرای جنسیت و تکرار آن جنسیت را خلق می‌کنند (ریترز، ۱۳۹۳). بنابراین جنس و جنسیت دارای

سررشتی اجرایی - نقشی است که برساخته از ساختار اجتماعی و فرهنگی است. باتلر تحلیل نابرابری جنسیتی ناشی از تفاوت زیستی را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است که زن بودن نمایشی فرهنگی^۸ است؛ یعنی، کسی زن نیست بلکه در فرهنگ خود نقش زن را ایفا می کند (صمدی راد، ۱۳۸۳، ۱۰۷). به نظر وی هویت های جنسی نه امری طبیعی و ثابت بلکه دارای معنایی اکتسابی است. جنسیت اجراست و چگونگی اجرای آن مبتنی بر جامعه و فرهنگ است. به نظر باتلر هویت ها به کلی بر ساخته ی «گفتمان» هستند. رفتارهای دگر جنسیت خواه (کسی که جنسیت خود را تغییر می دهد)، پوشیدن لباس جنس مخالف و دو جنسیتی ها مهم ترین روش های خلقِ آشفتگی و واژگونی جنسیت است (مهدی زاده، ۱۳۸۹).

سیمون دو بووار^۹ در جمله مشهورش بیان می کند که کسی زن متولد نمی شود بلکه به زن تبدیل می شود. به نظر دو بووار نابرابری جنسیتی از ساخت های اجتماعی و از دستاوردهای فرهنگ مردسالار است (شادی طلب و خانجانی نژاد، ۱۳۹۱، ۱۳۴). تفاوت جنسی نه واقعیت بلکه فرایندی است که فرهنگ مردانه خلق می کند و بکار می برد تا پایه های خودش را استوار کند. تفاوت زنان با مردان از ساخت بندی فرهنگی که ساخته مردان است (جهان صرفا توسط مردان نگریسته و تعریف شده است) و آنها را نادیده می گیرد و از درونی شدن دیگریت در آنها ناشی می شود. کسی زن به دنیا نمی آید بلکه به زن تبدیل می شود. کیفیت دیگری بودن که تمام تجربه زنان را شکل می دهد در قلمرو نمادین خاصه زبان قرار دارد (ریتزر، ۱۳۹۳).

بر اساس چهارچوب نظری تحقیق مدل نظری تحقیق شکل زیر است.



نمودار ۱. مدل نظری تحقیق

بر اساس مدل نظری تحقیق فرضیه های تحقیق عبارتند از:

- ۱- جنسیت در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی نقش دارد.
- ۲- کلیشه های جنسیتی در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی نقش دارد.
- ۳- مردسالاری در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی نقش دارد.
- ۴- مذهب در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی نقش دارد.
- ۵- فرهنگ در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی نقش دارد.

۳. روش شناسی تحقیق

جمعیت تحقیق شامل زنان شهری استان آذربایجان شرقی در سال ۱۴۰۰ است. این زنان شامل آنهایی است که حداقل ۲۵ سال داشته و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. برای آزمون فرضیه های تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. چون روش پیمایشی تنها روشی است که برای مطالعه رفتارها و دیدگاه های کنشگران اجتماعی در مقیاس وسیع و سطح گسترده بکار می رود. در این پیمایش برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. حجم نمونه تحقیق ۳۶۹ نفر زن است. برای انتخاب

نمونه ها از جمعیت تحقیق از شیوه نمونه گیری خوشه ای - سهمیه ای استفاده شده است. مراحل کار بدین صورت است:

۱. پنج شهر به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده از بین شهرهای استان انتخاب شده است. شهر های انتخاب شده عبارتند از:

جدول ۲. شهر های نمونه تحقیق

شهر	ردیف
مرند	۱
تبریز	۲
اهر	۳
کلیبر	۴
سراب	۵

۲. حجم نمونه هر شهر متناسب با جمعیت تحقیق آن شهر تعیین شده است.

جدول ۳. حجم نمونه شهرها

حجم نمونه	شهر	ردیف
۳۰	مرند	۱
۱۹۷	تبریز	۲
۳۰	اهر	۳
۳	کلیبر	۴
۹	سراب	۵
۳۶۹	جمع	

رویه کلی نمونه گیری بدین صورت است که ابتدا نمونه گیری خوشه ای انجام گرفته و سپس عناصر هر خوشه به شیوه نمونه گیری سهمیه ای انتخاب شده اند. همچنین سعی شده است نمونه های هر خوشه از طبقات و گروه های مختلف زنان باشد. دلیل استفاده از شیوه سهمیه ای این است که حجم نمونه هر خوشه مشخص است اما محل دقیق دسترسی به افراد مشخص نیست و اطلاعات کافی وجود

ندارد. بر این اساس در نمونه گیری سهمیه ای خوشه ها (در اینجا هر خوشه یک شهر است) معین شده، حجم نمونه گیری از هر خوشه تعیین شده و سپس از هر کجا که بتوان افراد واجد شرایط را پیدا کرد آنها را برای نمونه گیری سهمیه ای انتخاب کرده ایم.

تجزیه و تحلیل داده های پیمایش شامل دو بخش است. در بخش توصیف داده ها از جدول تک بعدی یا تک متغیره استفاده شده است. در بخش آزمون فرضیه ها نیز برای اندازه گیری رابطه بین متغیرها از ضریب پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. هم در توصیف داده ها و هم در آزمون فرضیه ها از نرم افزار SPSS21 کمک گرفته شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۱- جایگاه سیاسی: عبارت است از داشتن کرسی در تصمیم گیری سیاسی در سطوح عالی و محلی.

۲- جنسیت: عبارت است از نقش ها و رفتارهای مورد انتظاری که فرهنگ به زنان و مردان نسبت می دهد.

۳- جنس: عبارت است از تفاوت کالبدی و فیزیکی بین مردان و زنان.

۴- کلیشه جنسیتی: عبارت است از تصورات و عقاید منفی جامعه در مورد توانایی ها و قابلیت های زنان.

۵- مردسالاری: عبارت است از وضعیتی که در آن مردان طبق فرهنگ و سنت قدرت و تسلط را در دست دارند و خواهان حفظ آن هستند.

۶- مذهب: عبارت است از عقاید، منش و رفتارهایی که ریشه در مقدسات و دین داشته و بر جامعه حاکم است.

۷- فرهنگ: عبارت است از عقاید، منش و رفتارهایی که مورد مقبول اکثر اعضای جامعه است.

۴. یافته های تحقیق

۴-۱. توصیف مشخصات زنان

جدول ۴. سن زنان

سن زنان	فراوانی	درصد فراوانی
۳۰-۲۵	۱۹۰	۵۱/۸
۳۵-۳۱	۱۱۷	۳۱/۵
۴۰-۳۶	۳۸	۱۰/۲
۴۵-۴۱	۲۲	۵/۹
۵۰-۴۶	۲	.۵
کل	۳۶۹	۱۰۰
میانگین سن	۳۱/۳۶	

بر اساس جدول بالا، سن زنان بین ۲۵ و ۵۰ متغیر است. بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۲۵ تا ۳۰ است. کمترین فراوانی مربوط به سنین ۴۶ تا ۵۰ است. میانگین سن زنان ۳۱/۳۶ است.

جدول ۵. رشته دانشگاهی زنان

رشته دانشگاهی	فراوانی	درصد فراوانی
علوم انسانی و اجتماعی	۱۵۲	۴۱/۵
علوم فیزیکی و طبیعی	۱۶۰	۴۳/۱
علوم ریاضی و آمار	۵۷	۱۵/۴
کل	۳۶۹	۱۰۰

بر اساس جدول بالا، رشته دانشگاهی زنان شامل سه گروه علوم انسانی و اجتماعی، علوم فیزیکی و طبیعی و علوم ریاضی و آمار است. ۴۱/۵ درصد زنان رشته دانشگاهی علوم انسانی و اجتماعی دارند. ۴۳/۱ درصد زنان رشته دانشگاهی علوم فیزیکی و طبیعی دارند. و ۱۵/۴ درصد زنان رشته دانشگاهی علوم ریاضی و آمار دارند. بیشترین فراوانی مربوط به گروه دوم است.

جدول ۶. وضعیت تاهل زنان

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد فراوانی
مجرد	۱۶۷	۴۵/۶
متاهل	۲۰۲	۵۴/۴
کل	۳۶۹	۱۰۰

بر اساس جدول بالا، ۴۵/۶ درصد زنان مورد مطالعه مجرد بوده و ۵۴/۴ درصد زنان متاهل هستند. بیشترین فراوانی مربوط به زنان متاهل است.

۲-۴. آزمون فرضیه ها

الف) ضریب همبستگی

فرضیه های تحقیق این بود که جنسیت، کلیشه های جنسیتی، مردسالاری، مذهب و فرهنگ در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی نقش دارند.

جدول ۷. رابطه بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته (دست نیابی سطح معنی داری زنان به جایگاه های سیاسی)
جنسیت	۰/۴۹
کلیشه های جنسیتی	۰/۳۵
مردسالاری	۰/۳۲
مذهب	۰/۶۲
فرهنگ	۰/۴۴

با توجه به جدول بالا، همه متغیرهای مستقل با متغیر دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی رابطه مستقیم و معنی دار دارند. میزان این رابطه با جنسیت ۰/۴۹، با کلیشه جنسیتی ۰/۳۵، با مردسالاری ۰/۳۲، با مذهب ۰/۶۲ و با فرهنگ ۰/۴۴ است.

جدول ۸. خلاصه مدل

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
.۴۸	.۲۳	.۲۰	.۹۹۷

بر اساس جدول بالا، میزان همبستگی بین متغیر وابسته (دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی) و متغیرهای مستقل (جنسیت، کلیشه های جنسیتی، مردسالاری، مذهب و فرهنگ) ۴۸٪ است. ضریب تعیین نشان می دهد که متغیرهای مستقل ۲۳ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می کنند.

جدول ۹. آنوا

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معنی داری
۳۱/۴	۵	۶/۳	۶/۳	.۰۰۰
۱۰۲/۴	۱۰۳	.۹۹		
۱۳۳/۸	۱۰۸			

بر اساس جدول بالا، سطح معنی داری آزمون F برابر با ۰۰۰٪ است. بنابراین این آزمون نشان می دهد که مدل رگرسیون با داده ها برازش دارد.

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیون

Sig.	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد
	B	Beta
	خطای استاندارد	خطای استاندارد

ثابت	۱/۳۳	۰/۳۶	۳/۷	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۰۵	۰/۰۲۷	۲/۰۱	۰/۰۴۷
کلیشه های جنسیتی	۰/۰۹	۰/۰۲	۳/۹	۰/۰۰۰
مردسالاری	۰/۰۶	۰/۰۲	۳/۸	۰/۰۰۰
مذهب	۰/۱۸	۰/۰۲۸	۵/۵	۰/۰۰۰
فرهنگ	۰/۱۲	۰/۰۳	۴/۴	۰/۰۰۰

در جدول بالا ضریب Beta نشان می دهد که همه متغیرهای مستقل تاثیر معنی داری بر دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی دارند. میزان تاثیر جنسیت ۰/۲۲، کلیشه های جنسیتی ۰/۳۵، مردسالاری ۰/۳۵، مذهب ۰/۴۷ و فرهنگ ۰/۳۶ است. متغیر مذهب بیشترین تاثیر را بر دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی دارد.

۵. بحث و نتیجه گیری

مسئله تحقیق سهم پایین زنان در جایگاه های سیاسی استان آذربایجان شرقی است. برای مطالعه و تحقیق این مسئله دو شاخص نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و اعضای شوراهای اسلامی شهری مد نظر قرار گرفت. هدف تحقیق پاسخ به این سوال بود که چرا سهم زنان در جایگاه های سیاسی پایین است. چه عوامل جامعه شناختی در این امر نقش دارند؟ در پاسخ به این سوال بر اساس نظریه های تعامل گرایی و فمینیسم پنج فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. در این فرضیه ها متغیرهای دخیل در دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی شامل جنسیت، کلیشه های جنسیتی، مردسالاری، مذهب و فرهنگ بود. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که همه متغیرهای مذکور با متغیر دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی رابطه مستقیم و معنی دار دارند. در این میان متغیرهای مذهب و جنسیت به ترتیب بالاترین رابطه را با متغیر وابسته دارند. بنابراین نتایج این تحقیق در تایید نظریه های تعامل گرایی و فمینیسم می باشد. بر این اساس می توان گفت که دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی متأثر از تعریف اجتماعی از نقش های زنان و عقاید و باورهای اجتماع نسبت به توانایی های زنان و همچنین متأثر از قدرت طلبی و برترخواهی مردان دارد. نتایج این تحقیق همچنین در تایید تحقیقات ملکی (ملکی، ۱۳۸۴) و عیوضی و همتی (عیوضی و همتی، ۱۳۹۳) است که در تحقیقات خود به

متغیرهای جنسیت و کلیشه های جنسیتی اشاره کرده اند. بطور کلی می توان چنین نتیجه گرفت که دست نیابی زنان به جایگاه های سیاسی ریشه در فرهنگ و عقاید اجتماع دارد. بر این اساس بهبود این وضعیت و راهکار دستیابی زنان به جایگاه سیاسی تغییر نگرش اجتماع نسبت به نقش های زنان و توانایی های آنان است. ابزارهای موثری که می توانند بکار گرفته شوند تا به این بهبود دست یافت رسانه ها و آموزش و پرورش است. رسانه ها و آموزش و پرورش قوی ترین ابزار تغییر نگرش و عقاید افراد جامعه هستند. همچنین پیشنهاد می شود تحقیقات آتی با رویکرد کیفی جهت کسب اطلاعات عمیق تر پردازند.

یادداشت ها

1. Sandra Bem

2. Albert Bandura

3. learning gender

4. Candace West and Don Zimmerman

5. Judith Butler

6. performativity theory

7. gender trouble

8. cultural demonstration

9. Simone de Beauvoir

منابع

- ادهمی، عبدالرضا و روغنیان، زهره (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده»، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۴، صص ۱۴۴-۱۲۷.
- افشاری، زهرا، و شیبانی، ابراهیم (۱۳۸۲). «نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره -، ش ۶۲، صص ۱۷۴-۱۵۱.

- اکبری، حسین (۱۳۹۱). «نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست»، *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، ش ۴، صص ۳۷-۵۶.
- آزاد ارمکی، تقی و غفورنیا، نفیسه (۱۳۸۰). «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، *پژوهش زنان*، دوره ۱، ش ۲، صص ۲۹-۶۸.
- پورتال شورای اسلامی استان آذربایجان شرقی (۹۶/۲/۱۰): <http://shora-eaz.ir>.
- پورتال مجلس شورای اسلامی (۹۶/۲/۱۰): www.parliran.ir.
- جمشیدی سلوکلو، بهنام و شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۹۲). «تفاوت‌های فردی در نقش‌های جنسیتی و ارتباط آن با دینداری دانش آموزان»، *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، سال دوم، ش ۳، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- حافظیان، محمد حسین (۱۳۸۸). «زنان و توسعه پایدار: نگاهی مقایسه‌ای به جهان اسلام»، *پژوهشنامه زنان و توسعه*، ش ۴۲، صص ۱۱-۵۶.
- خمسه، اکرم (۱۳۸۳). «بررسی طرح‌واره‌های نقش جنسیتی و کلیشه‌های فرهنگی در بین دانشجویان دختر»، *مطالعات زنان*، سال دوم، ش ۶، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی موثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی»، *پژوهش زنان*، دوره پنجم، ش ۱، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- شادی‌طلب، ژله و خانجانی‌نژاد، لیلا (۱۳۹۱). «نگرش روستاییان به توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستا»، *پژوهش‌های روستایی*، سال سوم، ش ۴، صص ۱۵۴-۱۳۹.
- صمدی‌راد، انور (۱۳۸۳). «مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، ش ۲۱، صص ۹۹-۱۲۳.
- علی حسینی، علی و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی زنان»، *پژوهش نامه زنان*، س ۵، ش ۱، صص ۱۶۱-۱۸۵.
- عیوضی، محمد رحیم و همتی، زهره (۱۳۹۳). «زنان ایرانی در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر نظریه گزینش سیاسی»، *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۰.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، تهران: آگرا.

کردی، حسین (۱۳۸۵). «عوامل موثر در نگرش زنان به مشارکت سیاسی در استان گلستان: مطالعه موردی شهرستان گنبد کاووس»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، س ۱، ش ۲، صص ۱۱۱-۱۲۳.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

ملکی، امیر (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۱، ش ۲۵، صص ۲۳۵-۲۵۸.

مهدی زاده، سید محمد (۱۳۸۹). *نظریه های رسانه: اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی*، تهران: نشر همشهری.

هاید، ژانت (۱۳۸۰). *روانشناسی زنان*، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران: انتشارات نوربخش.

Adams, Bert N. and sydie, R.A. (2001). *sociological theory*, New Delhi: Vistaar publications.

Brinkerhoff, David B. and others (2011). *essentials of sociology*, USA: Wadsworth.

Chafetz, Janet Saltzman (2006). *handbook of the sociology of gender*, USA: Sprinker.

<https://www.weforum.org/reports/>.

OpenStax College (2013). *introduction to sociology*, Houston: Rice University.

Schaeffer, F.T and Lamn, R.P.(1992). *sociology*, NewYork: McGraw Hill.

Tischler, Henry L. (2011). *introduction to sociology*, USA: Wadsworth.

World Economic Forum (2016). *the global gender gap report*, (3 June 2017): <https://www.weformu.org/reports>.